

توفان

الکترونیکی

تیر ماه ۱۳۸۷ ژوئیه ۲۰۰۸ شماره ۲۳

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

www.toufan.org

فریاد خشم دانشجویان دردانشگاههای ایران چند نکته درمورد مبارزات اخیر دانشجویی در ص ۱۲



صحنه ای از پایان موفقیت آمیز اعتصاب دانشجویان تربیت معلم

کارگران نیشکر هفت تپه دلیرانه می‌رزمنند در ص ۲



تجمع کارگران نیشکر هفت تپه همراه با تعدادی از خانواده های خود

در این شماره می خوانید:

- پیام حزب و گزارش مختصری از کنفرانس بین المللی درمورد زندانیان سیاسی جهان در ص ۸
- طرح امنیت اجتماعی و تشدید تعرض به زنان- نامه از ایران در ص ۴
- آزادی سردار زارعی آزادی فساد برای سرکوبگران حاکم در ص ۳
- گزارشی از اعتراضات ضد جنگ در اروپا در ص ۵
- یادی از کمونیست جوان، رفیق نبی مفیدی ۱۰

کارگران نیشکر هفت تپه می‌رزند و دلیرانه می‌رزند

تشکیل سندیکای مستقل یک گام به پیش

بیکار قهرمانانه کارگران هفت تپه باردیگر نشان میدهد که مردم ایران و درراس آن طبقه کارگر، با همه ددمنشی های نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی مرعوب شدنی نیست. کارگران نیشکر هفت تپه می‌رزند و دلیرانه می‌رزند. بویژه درشرایطی که هیولای بیکاری و گرانی، حبس و شکنجه و گرسنه ماندن زن و فرزند درانتظار اعتصاب گران است اقدام به اعتصاب آنهم بیش از ۴۴ روز، عمل قهرمانه و قابل تحسین است. نتیجه اقتصادی اعتصاب کارگران هفت تپه هرچه باشد از لحاظ سیاسی برای رشد آگاهی و تشکل کارگران- نه فقط کارگران- بلکه همه مردم ایران نتایج عظیم ببار خواهد آورد. همانطور که مارکس می گوید " پرولتاریا بیش از آنکه به همت خویش، به اعتماد بر نفس خویش، به سربلندی و استقلال فکری خویش، نیازمند است" و این خصوصیات، طبقه کارگر را به مبارزات قاطع تر و پیروزیهای عظیم تر رهنمون خواهد شد.

رشد جنبش کارگری که ما در طول سالهای اخیر شاهد آنیم نیروی بیسابقه ای بمبارزات مردم بر ضد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی خواهد بخشید و رهبری ظفر بخش آنها را تامین خواهد کرد.

حزب ما به کارگران هفت تپه درود میفرستد و از مبارزاتشان عمیقاً پشتیبانی میکند و همه دانشجویان، تشکلات کارگری، روشنفکران و اقشار تحت ستم جامعه را به حمایت و همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه فرامی خواند. اعلام پشتیبانی و همبستگی طیف گسترده ای از دانشجویان دانشگاههای ایران و تشکلات کارگری از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با کارگران هفت تپه و پیام شادباش بمناسبت تشکیل سندیکای مستقل دلگرم کننده کارگران و تقویت کننده سنگر اتحاد و ایستادگی درمقابل ارتجاع سیاه ضد مردمی است. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. تنها از این طریق است که سرانجام می توان بر استثمارگران غلبه کرد.

اعتصاب شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه همچنان ادامه دارد. بیش از چهل و چهار روز ایستادگی و مقاومت درمقابل مزدوران رژیم تحسین برانگیز است. اقدامات ضدکارگری سازمان اطلاعات رژیم و گروههای رنگارنگ شبه فاشیستی و حراستی نتوانسته خللی درعزم و اراده کارگران برای تحقق خواسته هایشان وارد سازد. کارگران هفت تپه برای ادامه و تداوم مبارزاتشان سرانجام با حضور بیش از ۲۰۰۰ نفر نخستین هئیت موسس سندیکای مستقل را انتخاب و تولد این تشکل را به اطلاع عموم رساندند. تشکیل سندیکای مستقل کارگران هفت تپه یک گام مهم بی پیش است. هر پیشروی ولو کوچک و عقب راندن سرمایه داران و حامی آنها رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، یک پیروزی برای کارگران است و به آنها اعتماد بنفس میدهد. تجمع بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران در روز پنجشنبه ۳۰ خرداد درمقابل دفتر حراست و خواست برکناری زیودار رئیس حراست یکی از عوامل مزدور وزارت اطلاعات درنیشکر هفت تپه و جامه عمل پوشاندن به این خواست یک پیروزی برای کارگران بود. برکناری یکی از منفورترین عناصر رژیم که در دستگیری، سرکوب، جاسوسی، پرونده سازی و ضرب و شتم و ارباب کارگران نقش مستقیم و مهمی داشته است یک پیروزی برای کارگران است. این تظاهرات که همراه با خانواده های کارگران صورت گرفت با شعارهایی نظیر " حقوق ماهیانه حق مسلم ماست، معیشت و زندگی حق مسلم ماست، کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد، زیودار مزدور از شرکت اخراج باید گردد، شفیعی حیا کن هفت تپه را رها کن، خشم و نفرت خود رانسبت به مزدوران رژیم که جان کارگران را به لب رسانده اند، ابراز داشتند. کارگران با فریاد خواسته های خود، حق داشتن سندیکای مستقل و به رسمیت شناختن آن، پرداخت حقوق معوقه ۳ ماه اخیر، پایان دادن به پرونده سازیها و احضار فعالین کارگری به به دادگاه ضد انقلاب، برکناری مدیر عامل شرکت یعقوب شفیعی و همچنین اعضای هئیت مدیره این شرکت... برادامه اعتراضات گسترده تری درروزهای آینده تاکید ورزیدند.

پیروز باد مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه!

آزادی سردار زارعی، آزادی فساد برای سرکوبگران حاکم

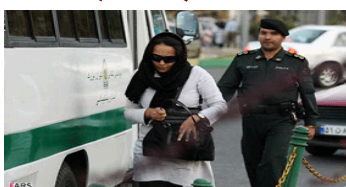
سردار زارعی، فرمانده نیروی انتظامی استان تهران که در یک خانه فساد همراه با ۶ زن برهنه دستگیر شده بود، به گزارش سید علیرضا آوایی رییس کل دادگستری تهران آزاد شده است. آوایی در جمع خبرنگاران با اشاره به آزادی وی با سپردن قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی اظهار داشت: "عمده اتهامات فرمانده سابق نیروی انتظامی استان تهران مربوط به اتهام های کیفی و اخلاقی بود که با ارائه مدارک و مستندات از سوی وی دلایل موجود برای محکومیت کفایت نکرد." وی افزود: "این فرد چند ماهی است تحت قرار بازداشت بود ولی در روزهای اخیر با تبدیل قرار وی و سپردن وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شده است."

او مسئول اجرای طرح مقابله با "اراذل و اوباش" و یکی از مجریان اصلی طرح "امنیت اجتماعی" و سرکوب زنان و جوانان بوده است. زارعی بعنوان رئیس انتظامی تهران در مصاحبه ای پیرامون طرح "امنیت اجتماعی" و مبارزه با "اراذل و اوباش" در اردیبهشت ۸۶، گستاخانه چنین بیان داشت: "از آغاز طرح ارتقای امنیت اجتماعی در سطح استان تهران نیروی انتظامی بیش از ۳۵ هزار نفر را مورد ارشاد و تذکر قرار داده است (بخوانید ضرب و شتم و توهین-توفان). در همین خصوص هزار نفر به نیروی انتظامی احضار شدند. در ۵۲ روز ابتدای سال به ۷ هزار و ۹۳۳ نفر از اراذل و اوباش تذکر داده شد و ۴ هزار نفر از آنان دستگیر شدند و در مجموع هزار و ۱۰۱ پرونده در این زمینه در مراجع قضایی تشکیل شد." همین آقا که اینچنین وقیحانه به سرکوب زنان بد حجاب در قالب طرح امنیت اجتماعی پرداخته و با آویزان کردن آفتابه به گردن جوانان و گرداندن آنها در کوچه و بازار مردم را به اخلاقیات پاک اسلامی دعوت میکرد خود نیز بعنوان یکی از مسئولان عالی رتبه در مقام رئیس پلیس استان تهران با دایر کردن فاحشه خانه های خصوصی به فساد و کسب درآمد مشغول بود. **توفان** در همان آغاز بازداشت سردار زارعی و ارتباط وی با مقامات بالایی رژیم و آزادی او در مقاله ای بنام **ماهی از سرمیگندد** چنین نوشت: "رئیس پلیس تهران آقای زارعی عنصر شناخته شده و دارای ارتباطات نزدیک با بالا ئیهاست. با قاضی سعید مرتضوی دوستی نزدیکی دارد. وی تا کنون خدمات شایان توجه ای به مافیای در قدرت کرده است. اما علت بازداشت زارعی و بی مهری نسبت به وی را باید زیاده روی بی حد و ضروری در فساد و از سویی فشار افکار عمومی و نارضایتی گسترده مردم تهران نسبت به او و حامیان او دانست. دیگر بیش از این برای دستگاه رهبری سکوت جایز نبود و می بایست حفظ ظاهر را مراعات می نمود. لیکن امثال سردار زارعی ها در رژیم کم نیستند و این اولین بار نیست که فردی در مقام عالی رتبه چنین عمل کرده است. بزدیهای کلان مالی در بنیاد های رنگارنگ اسلامی، دزدی ۱۲۳ میلیارد تومانی محسن رفیق دوست، قتل های زنجیره ای و آلوده بودن بالاترین مقامات سیاسی قضایی به شکنجه و ترور مخالفین، فساد و پارتی بازی حتا در عرصه ورزشی بویژه فوتبال و... از جمله مسائلی هستند که در هریک از این شاخه ها می توان نام دهها نفر را لیست کرد و زشتی اعمال آنها را به نقد کشید. بقول معروف ماهی از سر می گندد. جمهوری اسلامی از سرگندیده است و فساد و دزدی، ریا کاری و دروغ، فحشاء و انحرافات اخلاقی از ارکان اصلی این نظام است. رژیم جمهوری اسلامی در سازمان دادن عشرتکده های اسلامی از طریق عمال دست پرورده خود زیر لوای ایجاد مساکن حمایت از دختران فراری صفحه دیگری بر جنایات ۲۹ ساله خود افزوده است. نمونه دیگری از همین نوع ناهنجاریها ی که آسیب پذیری مردم را شدت بخشیده، پدیده گسترش بی سابقه فحشاء در اثر فقر در سطح کشور است. این امر باعث گردیده که رژیم اسلامی از این فرصت هم غافل نماند و دست پروردگان این رژیم خرید و فروش دختران نوجوان را برای کسب سودهای کلان بطور غیر رسمی دامن زده از آن بهره بگیرند. صدور دختران جوان به دویی و انحصار این تجارت پر سود در دستان آشکار و پنهان باندهای مرتبط با نظام جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی که خود مسبب فساد و انحرافات اخلاقی در جامعه است هر از گاهی برای زهر چشم گرفتن از مردم با اقدات جنون آمیزی نظیر به دار آویختن افراد بیگناه در ملاء عام و سرکوب و تحقیر جوانان و زنان به ارباب مردم می پردازد. همه اینها در قالب مبارزه با مفاسد اجتماعی صورت میگیرد. حال باید منتظر بود و دید که مجازات سردار زارعی فرمانده نیروی انتظامی تهران که در خانه فساد با ۶ زن بازداشت گردید تا چه اندازه ای است.

آیا حکم ۱۵۰ ضربه شلاق در ملاء عام شامل حال ایشان میشود؟ آیا سخنی از اعدام در ملاء عام برای درس عبرت دادن به مقامات بالایی خواهد رفت؟ یا اینکه ایشان بعد از چندی با پارتی بازی و پا درمیانی قاضی مرتضوی و شرکاء به پست اسم و رسم دار دیگری به انجام وظیفه خواهد پرداخت؟" توفان الکترونیکی فروردین ۸۷

آزادی سردار زارعی با وثیقه ۵۰ ملیون تومانی و بیان اینکه این پرونده "همچنان ادامه دارد" نشان از وجود یک دستگاه مخوف مافیایی و شبکه قدرت فاسد و فاشیستی است که بر جان و مال و ناموس مردم چنگ انداخته و با کثیفترین و ضد انسانی ترین شیوه های ممکن از مردم شریف ایران بویژه زنان باج میگیرد و در قالب " عفت عمومی و امنیت اجتماعی هر نوع امنیت فردی و آسایش را از مردم ربوده است. رژیمی که خود فاسد است و حیات و ممانش به باندهای سیاه مافیایی و سرکوبگر وابسته است نمی تواند جز این عمل کند که تا کنون کرده است. سردار زارعی فرزند راستین همین دستگاه مافیایی است که نزدیک به سه دهه بر مسند قدرت نشسته است. **مرگشان باد!**

تعرض مهم نیست "امنیت اجتماعی" مهم است



نامه از یک زن مبارز از تهران

عقریه ساعت هنوز روی عدد ۹ جا خوش نکرده است اما هوا تاریک شده. احساس خستگی شدیدی دارم. هر شب که به خانه می روم پیش از طی کردن عرض اتوبان، بازندگی وداع می کنم، گوشه ای می ایستم و در اولین فرصت از لای ماشین ها به آن سمت خیز برمی دارم. این دفعه هم بخیر گذشت.

دوجوان که بیش از ۱۷ بهار رانندیده اند از پشت سر می آیند. یکی زودتر از من به سمت راه باریکه ای که به پله های خیابان ظفر ختم می شود حرکت می کند و دیگری در پشت سرم می ماند. احساس کردم هنوز به خیر نگذشته است و رفتار این جوان ها مشکوک است. قدم ها را کند کردم تا جوان پشت سری از من سبقت بگیرد اما او هم حرکتش را کند کرد. ایستادم و گفتم: "شما بفرمایید."

گفت: "نمی روم خانم خودتان بروید."

مطمئن شدم که اوضاع کمی خراب است. پسری که در جلوتر حرکت می کرد گفت: "ساعت داری؟"

باعصبانیت گفتم: "بروید پی کارتان"

جوانک جلویی خیره در چشمان گفت: "می خواهم اینجا بشاشم، شما جلوتر از ما پله ها را برو پایین."

نه راه پس داشتم و نه راه پیش. دوجوان با مهارت تمام راه مرا بسته بودند. صدایی از پشت بام خانه روبه روفر یادزد: "ولش کنید تا نیامدم پایین."

سرم را به سمت صدای نجات بخش چرخاندم. زنی روی پشت بام ایستاده بود. پسرها با دیدن او پا به فرار گذاشتند. من هم فرصت را غنیمت شمرده و پله ها را دو تا یکی جستم توی خیابان.

زن درست در لبه پشت بام قرار گرفت و گفت: "چند شب قبل دختری را در همین جا مورد آزار و اذیت قرار دادند و چون مقاومت کرد با چاقو زخمی اش کردند."

به سمت خانه سرازیر شدم در باقی مانده راه به طرح امنیت ملی فکر کردم و اینکه هر روز صبح که از میدان ونک می گذرم باید کلی مسیرم را دورتر کنم تا به چنگ ماشین های گشت ویژه و طرح امنیت ملی نیفتم. نمی دانم این امنیتی که می گویند کجاست که حتی در عبور از چند پله نمی توان آن را یافت! مگر غیر از این است که ۳۰ سال سرکوب کردن واقعیات و بدیهی ترین نیازهای بشری موجب شده است تا جوان هایی که در همین نظام متولد و رشد یافته اند دست به خشونت جنسی وزن آزاری بزنند؟

در کشوری که سردار زارعی با ۶۷ زن در یک خانه سرگرم است چطور می توان انتظار داشت که جوانانش راه زنی را که خسته از کار روزانه به خانه می رود نبینند. اما با همه اینها هر روز وقتی از خواب برمی خیزم و بلندی مانتویی را که می پوشم و جیبی میزنم که نکند امنیت اجتماعی را به خطر انداخته باشم. طرحهای امنیت اجتماعی آخوندها نا امنی اجتماعی و سرکوب و آزار و اذیت مردم بویژه علیه زنان ایران است. لعنت به جانیان حاکم که جان مردم را به لب رسانده اند! مردم برای بدار آویختن این انگلهای زالو صفت بیتابی میکنند.

دست جلدان حاکم از زنان ایران کوتاه!

گزارش مختصری از اعتراضات جنبش ضد جنگ علیه سفر بوش و کوندولیزا رایس به اروپا



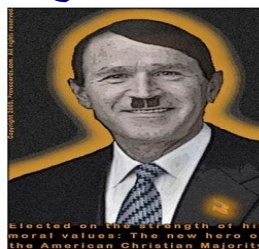
استقبال جانانه از بوش در لندن

به دعوت ائتلاف ضد جنگ هزاران نفر در مرکز لندن روز یکشنبه ۱۵ ژوئن علیه جرج بوش و گوردون بارون دست به تظاهرات زدند. در اثر حمله پلیس شماری از تظاهرات کنندگان مجروح و بیش از ۳۰ نفر دستگیر شدند. شعارهای محوری این تظاهرات **نه** به سفر بوش به انگلیس، **خواست فوری و بی قید و شرط نیروهای متجاوز آمریکا و متحدینش از عراق، افغانستان و مخالفت با تجاوز احتمالی به ایران** بود. آفیش زیر هفته ها قبل از سفر بوش به لندن از طرف ائتلاف ضد جنگ بطور وسیع پخش شده بود. تظاهر کنندگان خشم و نفرت خود را از آدمکشان امپریالیست و جنایتکاران جنگی آمریکایی- انگلیسی ابراز داشتند و از مبارزات عادلانه خلقها برای رهایی ملی دفاع نمودند.



**خروج نیروهای متجاوز از عراق، افغانستان و سومالی
نه به تجاوز به ایران!**

هزاران نفر در پاریس از جرج بوش پذیرایی کردند



به دعوت ۲۵ حزب و سازمان و انجمن، از فرانسوی گرفته تا فلسطینی و تونسی و مراکشی و ایرانی... از جمله سازمان برابری زنان، حزب کمونیست کارگران فرانسه و حزب کار ایران (توفان) واحد فرانسه تظاهران باشکوهی در ۱۳ و

۴ ژوئن علیه ملاقات بوش با سارکوزی برگزار گردید. در بخشی از بیانیه برگزارکنندگان این تظاهرات که تحت عنوان **نه به بوش، نه جنگ، نه ناتو - بخاطر صلح و عدالت، دموکراسی، و احترام به حقوق خلقها** انتشار یافته بود، چنین آمد:

..... این سفر زمانی صورت میگیرد که دولت فرانسه نزدیکی غیر قابل قبول خود را به سیاست آمریکا تشدید کرده و فرانسه در آستانه ریاست نوبتی اتحادیه اروپا قرار دارد. فرصتی است تا ما هم، مثل مردم آمریکا و سایر نقاط جهان، مخالفت خود را با سیاست برتری جوئی و جنگ بوش، که سارکوزی با او همدستی میکند، نشان بدهیم. پیامد «جنگ تمدنهای» بوش و «خاورمیانه بزرگش»، بعد از هفت سال در افغانستان و پنج سال در عراق، چیزی جز جنگ داخلی، تباهی، فقر، تروریسم، صد ها هزار قربانی غیر نظامی و کشورهای ویران شده از هر جهت نبوده است! حال آنکه حل و فصل این دو تعارض از طریق احترام به حقوق خلقها و در چارچوب حق و حقوق بین المللی مقدور است.

ما خواهان: الف - قطع فوری تمام عملیات نظامی در عراق و افغانستان و خروج قوای اشغالگر آمریکا و متحدانش از این کشورها هستیم. ب - مساعدت مالی بلافاصله بین المللی، بویژه از طرف کشورهای مسئول اشغال، خاصه از طرف ایالات متحده آمریکا. هنوز این بحرانها برطرف نشده، بوش و متحدانش در پی برانگیختن تعارضات دیگری هستند. با حمایت بی چون و چرا از اسرائیل باعث شده اند که اسرائیل استعمار سرزمین اشغالی فلسطین را تشدید کند، بنای دیوار غیز قانونی را ادامه دهد، محاصره جنایتکارانه گازا و تعرض به کشور لبنان در ژوئیه سال ۲۰۰۶ میلادی!

حال آنکه خلق فلسطین حق دارد که دولت خود را داشته باشد، حتی که قطعنامه های سازمان ملل متحد هم آن را برسمیت شناخته است. قطعنامه هایی که هرگز اجرا نشده اند! این شرط لازم برای یافتن یک راه حل سیاسی از طریق مذاکره، بخاطر تعیین مرزهای امن و شناخته شده برای دو دولت است. جورج بوش، بدون درس گرفتن از شکستها، کشورهایی که زیر بار فرمان واشنگتن نمی روند، مثل کشورهای آمریکای لاتین، تهدید میکند، چون راه دیگری را برگزیده اند. او برای حمله به خاورمیانه آمادگی کامل دارد. سرشت قابل سرزنش رژیم ایران بجای خود. ولی لشگرکشی به ایران، میتواند بیک فاجعه تمام عیار منجر شود - مثل مورد عراق امروز.

ما طالب ایجاد یک منطقه غیراتمی برای تمام خاورمیانه هستیم، این اولین مرحله در مسیر غیراتمی کردن عمومی است. ما تدارک جنگی را مردود میدانیم، فرانسه نباید در کنار ژاندارم جهان قرار گرفته و باید از الزام خلقها پیروی کند که تظاهرات بزرگ بسال ۲۰۰۳ میلادی بر علیه جنگ از خود بروز دادند.

ما میخواهیم به برتری طلبی و چپاول امپریالیستی خاتمه دهیم، و خواهان یک دنیای صلح آمیز، همبستگی و عدالت بر مبنای همکاری بین المللی هستیم.

فریاد اعتراض علیه سفر بوش به ایتالیا



هزاران نفر روز پنجشنبه ۱۲ ژوئن در رم علیه سفر جرج بوش به ایتالیا دست به تظاهرات زدند. تظاهراتهای مشابهی نیز در ۸ شهر دیگر ایتالیا نیز صورت گرفت. تظاهرکنندگان در رم با فریاد بوش، جنایتکار جنگی است، بوش برو گمشو، خواستار خروج فوری اشغالگران امریکایی از عراق، افغانستان و و بسته شدن زندان گوانتانامو شدند.

تظاهرات باشکوه علیه سفر کوندالیزا رایس به استکهلم

ساعت ۱۱ روز پنجشنبه ۲۹ مای در "اینفرا سیتی" واقع در ۲۵ کیلومتری شمال استکهلم در مقابل هتل اسکاندیا محل برگزاری کنفرانس عراق، تظاهراتی به دعوت کمیته همبستگی با مردم افغانستان علیه سفر کوندالیزا رایس وزیر امور

خارج آمریکا و علیه برگزاری کنفرانس عراق، برگزار گردید. محل برگزاری کنفرانس توسط ۱۷۰۰ پلیس بعلاوه نگهبانان و مامورین امنیتی و ماشینهای گشت و هلیکوپتر شدیداً محافظت می شد. تعداد نیروهای امنیتی بمراتب بیشتر از تظاهر کنندگان بود. تظاهرات با شعار کوندا لیزا رایس برو به خانه ات و آمریکا باید از عراق و افغانستان گورش را گم کند شروع شد و با سخنرانی سه نفر از فعالین شبکه ضدجنگ و کمیته همبستگی با مردم افغانستان و در نهایت با سخنرانی خانم عراقی مسنی که اطلاعات گسترده ای از مسائل عراق و جنایات گسترده متجاوزین امپریالیست داشت، ادامه پیدا کرد. ساعت ۱۸ همان روز در میدان " سرگل " واقع در مرکز شهر استکهلم تظاهراتی به دعوت شبکه ضدجنگ که متشکل از دهها حزب و سازمان و انجمن انقلابی و مترقی و مردمی و از جمله شبکه فعالین ایرانی ضد جنگ می باشد با حضور هزاران نفر برگزار گردید تظاهر کنندگان با شعارهای کوندا لیزا رایس برگرد خانه ات و آمریکا باید عراق و افغانستان را ترک کند نفرت خود را از سیاستها و عملکردهای جنایتکارانه متجاوزین امپریالیست نشان دادند. شبکه فعالین ایرانی ضد جنگ با حمل پرچم نه به جنگ علیه ایران، مخالفت خود را علیه هرگونه تجاوز نظامی به میهن ابراز داشتند. هواداران حزب کار ایران (توفان) در استکهلم نیز با شرکت فعال در این تظاهرات و پخش اعلامیه به زبان سوئدی به افشای اهداف این کنفرانس ارتجاعی پرداختند و از خواست فوری و بی قید و شرط خروج امپریالیسم آمریکا از خاک عراق و پرداخت غرامت به خلق دربندعراق، حمایت نمودند. هزینه بیش از ۳۰ میلیون کرون از کیسه مرم توسط دولت سوئد برای این کنفرانس ارتجاعی هیچ دستاوردی جز تبلیغات دروغین در مورد " بهبود امنیت در عراق " نداشته است. این کنفرانس نه قادر به تصمیم گیری در مورد وضعیت عراق گردید و نه راه حلی برای خروج از این بن بست ارائه نمود. ارتش آمریکا چون خردر این باتلاق فرورفته و شکست سنگینی خورده است. بشایان ذکر است در همان روز کنفرانس که رسانه های خیری سوئد از " پیشرفت وضعیت عراق " سخن میگفتند، جنبش مقاومت عراق با یک عملیات قهرمانانه نظامی در بغداد بیش از ۳۰ ارتشی مزدور را به دیار عدم فرستاد و پاسخ دندان شکنی به کوندالیزا رایس و نخست وزیر دست نشانده عراق و کلیه حاضرین در کنفرانس داد. جنبش مقاومت عراق خواب را از چشمان نیروهای متجاوز ربوده و تمام نقشه های شوم استعماری را درهم ریخته است. خلق قهرمان عراق تا بیرون ریختن آخرین سرباز مزدور از خاک میهن آرام نخواهد گرفت و سرانجام به استقلال ملی خود دست خواهد یافت.

زنده باد نبرد آزادیبخش خلق عراق! مرگ بر امپریالیست متجاوز آمریکا و نوکرانش!



صحنه ای از تظاهرات سفر وزیر امور خارجه آمریکا به سوئد

تظاهرات های با شکوهی که در هفته های اخیر علیه سفر بوش و جنگ طلبان آدمکش در کشورهای مختلف برگزار گردید یک بار دیگر به روشنی نشان داد که در دنیای ما هیچ انسان آزاده ای را پیدا نمی کنید که از تجاوز بربرمنشانه به عراق، افغانستان و... حمایت کند. هیچ انسان آزاده ای را پیدا نمی کنید که از خروج فوری و بی قید و شرط بربرها از عراق و پایان دادن به تجاوز و پرداخت خسارت به مردم ستم دیده عراق حمایت نکند. هیچ انسان دموکرات و بشردوستی را پیدا نمی کنید که از قتل عام مردم عراق به بهانه مسلمان بودن و بنیادگرا بودن و ... حمایت کرده و مبارزه این ملت را برای رهائی ملی و آزادی کشورشان محکوم ننماید.

لیکن در بین ما ایرانیها " چپ " هایی هستند که از طرح شعار خروج فوری و بی قید و شرط نیروهای متجاوز امپریالیستی و پرداخت غرامت به مردم عراق امتناع می ورزند. این " چپ " های " انقلابی " بدین دلیل امتناع می ورزند که در صورت خروج ارتش آمریکا مقتدا صدر و نیروهای اسلامی به قدرت برسند. به بیان روشنتر این گروهها در عمل به سیاستی در غلظیده اند که به حضور نظامی آمریکا و ادامه اشغال عراق تا پدید آمدن آلترناتیو مطلوب تن میدهند. اگر جز این است پس به چه دلیل در مورد شعار صحیح خروج ارتش اشغالگر از عراق و افغانستان که به خواست عمومی میلیونها انسان صلحدوست و ضد جنگ در جهان تبدیل شده است، طفره میروند؟ آیا پاسخی جز سکوت بزدلانه و ایپورتونیستی دارند؟ آیا استدلالی جز استدلال ترسکیمی در نفی دفاع از میهن در یک جنگ دفاعی و تجاوزکارانه و امپریالیستی دارند؟ خیر، اینان متاسفانه در منجلاب ترسکیم سقوط کرده اند و بنظر نمی رسد به این زودبیا به خود آیند و به اصلاح نظرات ارتجاعی خویش بپردازند. تنها رسالتشان خرابکاری در جنبش ضد جنگ و لجن پراکنی علیه کمونیستهای واقعی و نیروهای انقلابی است و بس. ا.

پیام کمیته آلمان حزب به کنفرانس بین المللی همبستگی با زندانیان سیاسی در جهان

آخرین قطره خون تحت استثمار خود داشته و نه تنها این خلقها را بلکه طبقه کارگر خود را هم در وحشت از عاقبت بیکاری بشکل وحشیانه استثمار میکنند.

امروزه سرمایه داری و بخصوص امپریالیسم امریکا حربه جدیدی برای خود بوجود آورده آنها " تروریسم " هست.

هر نوع مقاومت بر علیه بربریت سرمایه داری و امپریالیسم امریکا بدون توجه به اینکه از طرف کی و به چه صورت انجام میشود. ترور و تروریست نامیده میشود. حتی در کشور های خودشان مردم و جریانهای مخالف را به بهانه "تروریسم و تروریست ها " تحت فشار و تعقیب فرار میدهند تا از این طریق ترور های خودشان را توجیه کنند.

آنها هر نوع مقاومت را در نطفه خفه میکنند و برای این کار در عراق زندان های مخوفی مثل ابو غریب و یا زندان وحشتناک در گوانتانامو و زندان " مدرن " اشتهام هایم را در آلمان ساخته اند.

مقاومت عادلانه مردم فلسطین بر علیه صهیونیسم که جنگی ایست مشروع در دفاع از حق تعیین سرنوشت خویش، تروریستی و ضد تمدن و مدنیت نامیده میشود...

مقاومت قهرمانانه خلق عراق بر علیه تجاوز و اشغال و بر علیه وحشیگری امپریالیسم امریکا، تروریستی تبلیغ میگردد و در مطبوعات و رسانه ها بشدت اطلاعات غلط و اغواگرانه به خورد مردم میدهند.

رفقا: برای ما قابل تصور نیست که خلق قهرمان عراق چه مصیبتی را در زیر فشار وحشیگری های امپریالیسم امریکا و انگلستان و متحدانش تحمل میکنند. و قابل تصور نیست که زندانیان سیاسی عراق و اسرائیل و ترکیه و افغانستان چگونه شکنجه های وحشیانه مزدوران امپریالیسم را تحمل میکنند.

تمامی وسائل و ابزار های شکنجه در اسرائیل و امریکا و اروپا ساخته و تکامل داده شده و به کشور های تحت سلطه آنها و یا به اغلب کشورهای امریکای جنوبی و کشورهای آسیایی و خاورمیانه و افریقائی و عراق و ترکیه و سایر کشور ها با متخصصین فرستاده میشود.

کنفرانس بین المللی همبستگی با زندانیان سیاسی به مدت دو روز از تاریخ ۲۴ تا ۲۵ ماه در شهر کلن با حضور بیش از ۱۵۰ نفر برگزار گردید. این کنفرانس که به دعوت و ابتکار حزب کمونیست مارکسیست لنینیست (کردستان شمالی) تشکیل گردید بعد از دو روز با موضوعات متنوع سیاسی فرهنگی درافشای شکنجه های جسمی و روحی زندانیان سیاسی در کشورهای مختلف و تشریح مقاومت های حماسی زندانیان سیاسی و همینطور چشم انداز همبستگی بین المللی با زندانیان سیاسی با موفقیت به کار خود پایان داد. بیش از ۱۲ هیئت نمایندگی از طرف کشورهای مختلف از جمله ترکیه، هندوستان، فرانسه، فلسطین، دانمارک، سوئیس، ایتالیا، بلژیک، ایران، آلمان و... چند کشور در این کنفرانس شرکت داشتند. هیئت نمایندگی از طرف کمیته آلمان حزب کارایران (توفان) نیز در این کنفرانس شرکت کرد و باقرانیت پیامی همبستگی خود را با این کنفرانس ابراز نمود که مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت. هیئت نمایندگی کمیته آلمان حزب کارایران (توفان) در طی این دو روز، نشستهای دوجانبه ای از جمله با هیئت نمایندگی حزب اتحاد سوسیالیستی مرکز هندوستان (مارکسیست لنینیست) و حزب کمونیست مارکسیست لنینیست ترکیه (کردستان شمالی) و... داشته و بطور مبسوط سیاستها و تاکتیکهای حزب را در عرصه داخلی، منطقه ای و بین المللی تشریح نمودند. نقطه نظرات سیاسی ایدئولوژیک حزب ما در مورد اوضاع حاد منطقه و خطر احتمالی تجاوز به ایران، سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در قبال جنبش اعتراضی کارگری و دانشجویی... مورد توجه و احترام رفقای هیئت نمایندگی های مختلف قرار گرفت و در ادامه مشتاقانه خواهان ادامه تماس و همکاریهای نزدیک با حزب ما شدند.... در زیر بخشی از پیام حزب را که از زبان آلمانی به فارسی ترجمه شده است، ملاحظه فرمائید:

رفقای عزیز

فرصت را غنیمت شمرده به شرکت کنندگان در کنفرانس و برگزار کنندگان آن درود میفرستیم و برای این کنفرانس آرزوی موفقیت داریم....

رفقای عزیز! دنیای سرمایه داری در بحران شدیدی به سر میبرد. تضاد های جوامع سرمایه داری هر روز عمیقتر میگردد و بیکاری و فقر و گرسنگی و از طرفی سرکوب و ترور و تجاوز به حقوق انسانها و خلقهای تحت ستم شدت یافته است. ممالک امپریالیستی برای نجات خود از این تضاد ها هیچ راه دیگری جزء زندان و شکنجه و سرکوب وحشیانه انقلابیون و آزادی خواهان و انسانهای ضد امپریالیست ندارند.

آنها سعی میکنند با تمام امکاناتی که در اختیار دارند طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم جهان را تا

دست به تظاهرات و اعتصاب میزنند. این مبارزات نوید بخش است و در چند سال اخیر رشد چشمگیری داشته است. حزب ما از مبارزات مردم ایران دفاع میکند و از هیچ کوششی در تقویت و سازماندهی آنها دریغ نمی ورزد. حزب ما ضمن دفاع قاطع و اصولی از مبارزات مردم ایران اما همزمان آنها را به هوشیاری در مقابل خطر احتمالی آمریکا به ایران و توطئه های امپریالیستی صهیونیستی فرامیخواند. حزب ما به افشای بی امان جریانات ناسیونال شونیست و احزاب ترسکیست و شبه ترسکیست که مشوق حمله نظامی به ایران هستند و در پارکابی آمریکا به قدرت سیاسی چشم دوخته اند می پردازد و آبرویی برای آنها باقی نگذاشته و نخواهد است.....

ما آماده ایم که با تمام انقلابیون و آزادیخواهان که بر علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و سایر امپریالیستها مبارزه میکنند همکاری کنیم. برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم. از مبارزات به حق زنان برای رسیدن به حقوق برابری با مردان و حقوق اجتماعی آنها دفاع و مبارزه کنیم. از دانشجویان در مبارزاتشان بر علیه جمهوری اسلامی دفاع کرده و در مبارزات آنها خود را شریک بدانیم. و بالاخره از همه شما می خواهیم که با هم از مبارزات طبقه کارگر بر علیه استثمار و ارتجاع و امپریالیسم دفاع و در مبارزات آنها شریک باشیم.

ما اعتقاد داریم تنها سوسیالیسم هست که می تواند بشریت را از بربریت سرمایه داری نجات بدهد. کمونیستها و انقلابیون را میشود کشت و نابود کرد، اما کمونیسم را نه. زنده باد مارکسیسم و لنینیسم زنده باد مبارزات طبقه کارگر بر علیه امپریالیسم و ارتجاع مرگ بر امپریالیسم و فاشیسم زنده باد همبستگی بین المللی

تمامی این کشور ها از طرف امپریالیسم آمریکا پشتیبانی میشوند. و بر عکس کشور هائی که تن به سیاست های استعماری و زورگویانه آمریکا نمی دهند تروریست خوانده معرفی میشوند و با تهدید و ارعاب و تحریم اقتصادی تنبیه میگردند.....

آنها بی شرمانه از حقوق بشر و دموکراسی سخن میگویند ولی در عراق و گوانتانامو شکنجه های فجیعی را اعمال میکنند و از یک چنین اعمالی هم شرم ندارند.....

ما معتقدیم که تا زمانی سرمایه داری و امپریالیسم وجود دارد زندان و شکنجه و ترور، تجاوز و اشغال و سرکوب مردم نیز وجود خواهد داشت..... آلترناتیو نظام گندیده کنونی جهان سوسیالیسم است....

در کشور ما ایران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به شدت طبقه کارگر و مبارزاتی کارگری را سرکوب میکند. و فعالین کارگری نظیر صالحی و اسالو به زندان و شکنجه محکوم و یا اعدام محکوم میشوند..

رژیم جمهوری اسلامی بدلیل ماهیت ارتجاعی و واپسگرایانه خود اعتراضات دانشجویان را به خاطر مطالبات صنفی سیاسی و حقوق اولیه دموکراتیک بطور وحشیانه سرکوب و جوانان تشنه آزادی را به زندان و تحت شکنجه قرار میدهد.

در ایران جنبش زنان که برای آزادی و حقوق برابر و عدالت اجتماعی مبارزه میکند بطور اسفناکی تحت عنوان امنیت اجتماعی سرکوب میشود.... احزاب و اتحادیه های ای سندیکایی ممنوع هستند و اثری از آزادی بیان و مطبوعات نیست و فقط یک حقیقت وجود دارد و آن " حقیقت آسمانی و اسلامی" است که بر جان و مال مردم چنگ انداخته است.

علیرغم همه این توحش و وحشیگری ها، کارگران، زنان، دانشجویان و روشنفکران... ایران مرعوب نگشته و هر روزه برای مطالبات صنفی سیاسی خود

حزب کار ایران (توفان) - کمیته آلمان

آلمان ۲۴ ما مه ۲۰۰۸

زنده باد همبستگی بین المللی! مرگ بر ارتجاع، سرمایه داری و امپریالیسم!



رفیق نبی مفیدی
کمونیسست جوان

یادی از رفیق نبی مفیدی

تیرماه امسال بیست و هفتمین سالگرد قتل ناجوانمردانه رفیق نبی مفیدی است. در تیرماه سال ۶۰ دهها تن از رزمندگان متشکل در حزب کارایران (توفان) به جرم آزادیخواهی و آرمان کمونیستی به جوخه های اعدام سپرده شدند. در تابستان سال ۶۰ رفیق جانیراروحی، نادر رازی، اصغر پهلوان، یدالله پهلوان، رضا محمد پور، بهرام رازی، مهدی شیر خدا، مسعود نائیبیان، داریوش انصاری، شاهرخ اسفراینی، منوچهر تهرانی... با شجاعتی بی نظیر بر سر آرمان خود ایستادند، از حزبشان قاطعانه دفاع کردند و با فریاد نه به جمهوری اسلامی، نه به استبداد و فاشیسم تیرباران شدند. ما در اینجا با انتشار اعلامیه حزب که در همان سال بمناسبت ترور کمونیست جوان رفیق نبی مفیدی صادر گردید یاد این رفیق و همه توفانیهای جانباخته در سال ۶۰ و تمامی انقلابیونی که در راه آزادی و انقلاب جان باختند را گرامی میداریم. عزم و اراده خلل ناپذیر رفیق نبی سرخ و جوان ما در پیگیری در راه آرمان زحمتکشانش درس بزرگی است برای تمام جوانان پویانده راه آزادی طبقه کارگر. باشد که در راه تحقق اهداف انسانی این رفقا یعنی محور نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم و دموکراسی واقعی کوشا و موفق باشیم. خاطره شان گرامی و راهشان پر رهرو باد!

گل نشکفته من

ای آماج تیرهای زهرآگین!

از غنچه لبانت خون میریزد

خونابه جگر

میکردند، همه و همه عواملی بودند که قلب و روح لطیف نبی بلشویک ما را میازرد. رنج و سختی زندگی از او جوانی با شهامت و دلیر و پر نشاط ساخت. هیچگاه از مشکلات راه نمیبهراسید. با کمی سن ذره ای از کار و کوشش در راه آرمان والای زحمتکشانش باز نمی ایستاد. در مدرسه، نبی کودکی پر شور و نشاط و خستگی ناپذیر بود و به همین خاطر همه او را دوست میداشتند. در سن ده سالگی توسط معلم بزرگ خود رفیق جان برار روحی با آ بار حزب آشنا شد. در بین دانش آموزان از محبوبیتی خاص برخوردار بود. کمتر دانش آموزی که او را میشناخت از مرگ این شهید نگریست. رفیق نبی همواره با کوله باری از

رفیق نبی در یک خانواده زحمتکش در کنار آغل گوسفندان به دنیا آمد. پدرش چوپان بود ولی او هرگز پدرش را نندید. رفیق نبی در زمان مرگ ۱۴ سال داشت.

در کودکی مفهوم گرسنگی و فقر و بدبختی را میشناخت. زندگی او در کنار گوسفندان در آغل تنگ و تاریک، کار طاقت فرسا و شبانه روزی مادر پیر و زحمتکش که با جمع آوری و فروش سبزیهای جنگلی و شستن لباس اربابها، و خواهر کوچکش که در آمل کلفتی میکرد و با بیگاری برادرش توسط ارباب که سالانه ۱۵۰۰ تومان به او مزد میداد، و اختلاف محیط زندگی خود و ارباب که در نزدیکی آغل آنها زندگی

اختناق سایه شوم خود را بر پهنه کشور گسترده بود، و اک ر رفقای محمودآباد فراری شده بودند، همچنان به مبارزه خود ادامه داده و همین امر باء گردید که بارها توسط مزدوران رژیم تهدید به مرگ شود. وضعیت پیش آمده باء گردید که رفیق همراه مادرش به بیلاق برود.

سرانجام در ۱۶ تیر ماه ۶۰ به هنگامیکه برای خبرگیری از حال و روز رفیق دربند جانبرار روحی که در آنزمان در زندان بابلر بسر میبرد، عازم محمود آباد بود، در راه پاسداران مزدور رژیم او را تنها دیده و از آنجائیکه منتظر چنین روزی بودند، بجای اینکه او را دستگیر کنند (چون میدانستند دستگیری و سرانجام مرگ رفیق ۱۴ ساله خشم و اعتراض مردم محمود آباد را بدنبال خواهد داشت) با یک تصادف ساختگی به شهادت میرسانند و جنازه غرق در خون و بیجان او را در کنار جاده انداخته و دور میشوند.

جانیتی که مزدوران خون آشام خمینی در حق این فرزند راستین خلق و این کمونیست کوچک روا داشتند، در عصر کنونی بیسابقه است.

عزم و اراده خلل ناپذیر رفیق نبی سرخ و جوان ما در پیگیری در راه آرمان زحمتکشان درس بزرگی است برای تمام پویندگان راه آزادی طبقه کارگر. جاویدان باد یاد کمونیست جوان ما رفیق نبی!

کتابهای خوب به روستا میرفت و برای کودکان و جوانان هم سن و سالش میخواند و آنها را آگاهی میداد و با درد و زندگی مردم زحمتکش آشنا میساخت. پیوسته بچه ها را به مطالعه کتابهای خوب و کمک به زحمتکشان تشویق میکرد. درآستانه انقلاب همه روزه بچه های مدرسه را جمع میکرد و تظاهرات متعددی براه انداخت.

رفیق نبی بخاطر هوش و ذکاوت بی نظیر و تحت سرپرستی و تعلیم معلم بزرگ خود رفیق جان برار در مدتی کوتاه رشد بیسابقه ای نمود و بعد از ایجاد تشکیلات دانش آموزی "شنبه سرخ" به عضویت آن درآمد و با کوشش زیاد به کار مداوم و پیگیر در کارهای حزبی و دانش آموزی پرداخت. فعالیت بی وقفه رفیق با آن سن کمش زبانه زد خاص و عام گردید و کمتر کسی را در محمود آباد و حومه میتوان یافت که او را نشناسد.

از آنجایی که در مدرسه همیشه از خواستهای بحق دانش آموزان پیگیرانه دفاع میکرد، پیوسته مورد آزار و اذیت فالانژها و مرتجعین قرار میگرفت ولی فشارهای روحی و جسمی و حمله های ناجوانمردانه که به او میشد، پرچم حزب را همچنان برافراشته نگاهداشته و از آن دفاع میکرد. در روستای محل زندگی چندین بار فالانژها و مرتجعین او را تهدید به مرگ کردند. او حتی از ۳۰ خرداد ۶۰ که ترور و

نوشته زیر فسمتی از نامه رفیق جوان، چوپان کوچک، رفیق شهید نبی مفیدی میباشد که در توفان شماره ۴۳ به چاپ رسیده است. این نامه نشانگر قلب آزرده از کینه وی به است مارگران و در عین حال امید به آینده ای روشن برای زحمتکشان میباشد.

"زمانی که شاه بود، آزادی نداشتیم و نمیتوانستیم حرف بزنیم. ما مبارزه میکردیم تا رژیم پهلوی نابود شد. ما هزاران جوان کشته دادیم تا آزادی بدست بیاریم. اینها که جوانان ما را شکنجه میدادند، چرا اعدام نشدند؟"

حال میگویند آدم خوبی شده ایم، آقای بازرگان! تا آمریکا و چین و شوروی دشمن ما هستند، ما باید با توده باشیم. اگر با توده نباشیم، نمیتوانیم مبارزه را ادامه دهیم. ما باید کمونیستهای دلیری باشیم، حق را بگوییم و سرمایه داران را نابود کنیم، ما این حکومت را نمیخواهیم، حکومتی که ظلم و ستم باشد باید نابود شود. اگر از ما نمیترسید بگذارید ما هم حرف بزنیم. تا حکومت ما کارگری نشود، هیچ چیز درست نمیشود. اینها نمیتوانند هیچ چیز را درست کنند. (.....) دهقان هیچ چیز ندارد. مادرم از صبح تا غروب درد و رنج میبرد، ولی هیچ چیز نداریم بخوریم. مادرم میرود علف را میچیند تا برای ما از فروش آن غذا تهیه کند. (.....) من اگر زندگی خود را میبینم خراب است، باید مبارزه را ادامه بدهم. هر جا ظلم و ستم باشد مبارزه ادامه دارد. شاه به ما ظلم و ستم میکرد. آیا نه؟

ما باید راه لنین و استالین را ادامه بدهیم. اینها آدمهای خوبی بودند. اول شوروی دوست ما بود، وقی لنین و استالین فوت کردند، حکومت آنها سرمایه داری شد.

درد بر لنین و استالین

در بهار آزادی، جای شهدا خالی، راه شهدا باقی

یاد همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم گرامی باد!

فریاد خشم در دانشگاه‌های ایران

چند نکته در مورد مبارزات اخیر دانشجویی

مبارزات درخشان دانشجویان دانشگاه تربیت معلم و دانشگاه زنجان در هفته های اخیر از چند لحاظ جای خاصی در نهضت دانشجویی کشور ما دارد:

۱ - طول مدت مبارزات

با آنکه نیروهای امنیتی و حراستی و سرکوبگر رژیم تمام توان خود را بکار انداختند تا اعتصاب و تحصن دانشجویان تربیت معلم را سریعاً خاموش گردانند و از انعکاس آن در ایران و جهان جلو گیرند، این تحصن با حضور بیش از ۳۵۰۰ تن و با اعتصاب غذای بیش از ۱۰۰ تن از دانشجویان پس از ۱۱ روز با پیروزی پایان یافت. وزارت علوم و دست اندرکاران دانشگاه تمامی مطالبات دانشجویان از جمله برکناری ۲ معاون دانشگاه، لغو حکم کمیته انضباطی در مورد ۸ دانشجو، بهبود وضعیت امکانات رفاهی و تعویق امتحانات را پذیرفتند. دانشجویان دلیر علیرغم تمامی فشارها و شانتاژهای وارده نظیر تهدید و ارباب خانواده دانشجویان متحصن، صدور حکم تعلیق از تحصیل، قطع کردن آب دانشگاه، قطع کردن اینترنت دانشگاه، زندانی کردن دانشجویان در محل تحصن، حضور گسترده تشکلهای شبه نظامی و وابسته در دانشگاه... با عزم راسخ و متحد و یکپارچه به مبارزات خود ادامه دادند و بدون هراس از این بگیر و ببندها خواسته های برحق خود را بر مسئولین دانشگاه تحمیل کردند.

اعتراضات شکوهمند بیش از ۳۰۰۰ دانشجوی دانشگاه زنجان علیه مسئولین دانشگاه و علیه " حسن مددی" معاون دانشجویی دانشگاه زنجان که قصد تجاوز به یکی از دختران دانشجو را داشته، بعد از یک هفته پایان یافت. برکناری و محاکمه قضایی حسن مددی معاون دانشجویی دانشگاه، عدم برخورد با متحصنین و دانشجوی دختر قربانی این ماجرا، پیگیری پاسخ وزیر علوم از سوی نماینده زنجان در مجلس، بررسی کفایت رئیس دانشگاه توسط کمیته ای مرکب از دانشجویان و اساتید، تعویق امتحانات، بهبود وضعیت فرهنگی و فعالیت تشکلهای مستقل... خواسته هایی بود که با تمام آنها موافقت گردید. علیرغم اینکه این اعتصاب رسماً پایان یافته است اما دانشجویان این آمادگی را دارند که در صورت دبه در آوردن مسئولین دانشگاه مجدداً اعتصاب را از سرگیرند. تداوم، هوشیاری و طول این دوره از مبارزات دانشجویان بسیار برجسته است. دادستان زنجان روز پنجشنبه ۲۹ خرداد ضمن پذیرش گناه کار بودن معاون دانشجویی و دستگیری دختر قربانی با وقاحت تمام اعلام نمود با دانشجویان معترض نیز برخورد می شود. این در حالی است که اخباری از احضار و تحدید برخی دانشجویان زنجان انتشار یافته است. اعتراض سریع دانشجویان به دادستان زنجان نشان از روحیه رزمنده و عزم راسخ آنها برای ادامه مبارزه دارد.

۲ - شرکت گسترده دختران در مبارزه

خصوصیت دیگر این دوره از مبارزات دانشجویان، شرکت گسترده و چشمگیر دختران در مبارزه است که بی تردید یکی از دلایل مهم پیروزیهای اخیر را باید در همین حضور فعال دختران در صحنه پیکار دانست. به کوری چشم ارتجاع و زن ستیزان حاکم اکنون نزدیک به ۵۵ درصد دانشجویان در دانشگاههای ایران زن هستند و این امر بر کمیت و کیفیت مبارزه دانشجویی می افزاید و رژیم را با مشکلات فراوانی روبرو ساخته و می سازد. سیاست ارتجاعی سهمیه بندی جنسیتی دانشجویان که اخیراً طرح گشته است نشان از وحشت و هراس رژیم جمهور اسلامی از حضور گسترده دختران در صحنه مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه دارد. صحنه های پرشکوه تظاهرات و اعتصابات دانشجویی و برجستگی دختران در این مبارزات، نوید بخش است و خواب از چشمان تاریک اندیشان ضد بشر ربوده است.

۳ - اتحاد و همبستگی

خصوصیت مهم دیگر این دوره از پیکار دانشجویان اعلام همدردی و همبستگی مشخص سایر دانشجویان دانشگاههای سراسر ایران و همچنین سندیکاهای و تشکلات کارگری است. اکنون اعتراضات دانشجویی به نقطه معینی محدود نیست و تقریباً کلیه دانشگاههای ایران را از تهران و آذربایجان، کردستان، خوزستان، مازندران، اصفهان، مشهد، شیراز و

غیرو را دربرمیگیرد. بیانیه همبستگی بیش از ۴۰ انجمن دانشجویی دانشگاههای سراسر ایران در حمایت از دانشجویان تربیت معلم، اعلام همبستگی انجمن های مختلف کارگری از مطالبات دانشجویان و همینطور اعلام حمایت دهها انجمن دانشجویی و زنان... از مبارزات دانشجویان زنجان، یکی دیگر از ویژه گیهای مهم این دوره از مبارزات است که پیروزیهای اخیر را به همراه داشته است. رشد آگاهی دانشجویان، احساس هم سر نوشتی توده دانشجوی، اتحاد و همبستگی و ادامه کاری و تداوم اعتصابات از ویژه گیهای اعتصابات اخیر بوده است.

۴- مطالبات عام صنفی دموکراتیک

خصوصیت دیگر دوره اخیر دانشجویی طرح مشخص مطالبات عام دموکراتیک و صنفی و رفاهی بوده است. این خود نشان میدهد در شرایط کنونی چه سیاستی باید اتخاذ کرد تا بتوان وسیعترین قشر توده دانشجوی را به حرکت در آورد و در یک کارزار دموکراتیک و توده ای ارتجاع را به عقب نشینی واداشت.

بی تردید در توان ورسالت جنبش دانشجویی نیست که بتواند سوسیالیسم در جامعه مستقر کند. چنین شعاری فقط خاصیت ارضای روشنفکرانی را دارد که در رویا بسر می برند و بدون تعمق و بدون در نظر گرفتن سطح مبارزه و توازن قوا وقت و بی وقت زنده باد سوسیالیسم صلا میدهند. این چپ روی کودکانه و ماجراجویانه در عمل همان نتایج راست روانه محافل دانشجویی را دارد که می کوشند جنبش دانشجویی را به زائده جناحی از رژیم تبدیل نمایند. این دو سیاست چپ و راست فرجامی جز تضعیف، تفرقه و به حاشیه راندن جنبش دانشجویی ندارد. عده ای از احزاب و سازمانهای منحرف که آلوده به کمکهای مالی از اسرائیل هستند با تبلیغ شعارهای انحرافی در بین دانشجویان و سوء استفاده از مبارزات آنها و درج عکسهای شیش در چهار دانشجویان با شعار "سوسیالیسم یا بربریت" در وبسایتهای خود ضربات سختی بر پیکر جنبش دانشجویی وارد ساخته اند. منتسب کردن جنبش خودجوش دانشجویی به خود و تبلیغ علنی گرائی سرانجامی جز لو رفتن و دستگیری شمار قابل توجهی از دانشجویان در ۱۳ آذر سال گذشته نداشته است. این دانشجویان بی خبر و ساده دل فریب کسانی را خورده اند که هدفشان اساسا سوسیالیسم و عدالت اجتماعی نیست. اینها هدفشان ایرانی آزاد و آباد و مستقل نیست. اینان منتظر تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران هستند تا در پارکابی آنها "سوسیالیسم" بنا کنند. این جماعت رنگارنگ بی هویت که حامل ویروس ضد کمونیستی منصور حکمت هستند هدفی جز تخریب در جنبش نوپا و به شکست کشانیدن آن در قالب "سوسیالیسم همین امروز" ندارند. این همان وظیفه نامبارکی است که این عده رسالت آن را به عهده گرفته اند.

نیاز جنبش دانشجویی در شرایط کنونی ایجاد کنفدراسیون واحد و سراسری دانشجویان است که بتوان با برنامه و اهداف واحد صنفی سیاسی وسیع ترین قشر دانشجو را در آن متشکل کرد و به فعالیت دراز مدت پرداخت. چنین کنفدراسیون دموکراتیکی می تواند دربرگیرنده منافع عام توده دانشجو صرف نظرا از مرام و مذهب و ملیت باشد. چنین تشکلی در اهداف ووظایف دموکراتیک خود نمی تواند نسبت به سرنوشت سایر اقشار و طبقات جامعه نظیر کارگران، زحمتکشان، زنان، معلمان، کارمندان... بی تفاوت باشد. چنین تشکلی نمی تواند نسبت به تجاوز احتمالی امپریالیستها به ایران و یا تحریم های اقتصادی بی تفاوت باشد و در مبارزه فقط به فکر منافع خویش باشد. درخت را ببیند اما جنگل را نبیند. خواست جدائی دین از دولت و آموزش و لغو حجاب اجباری خواست عموم جامعه است.

خواست آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی خواست عموم جامعه است. خواست اخراج نیروهای انتظامی، حراست و بیسیج و تفتیش عقاید از صحن دانشگاه خواست عموم دانشجویان است. خواست رفاهی و متنوع صنفی و آموزشی خواست عموم دانشجویان است. می توان عموم این مطالبات و اهداف و خواسته های دانشجویان را ریز کرد و بصورت برنامه ای مدون به بحث گذاشت. اما اساس چنین تشکلی باید بیان دفاع از منافع عام جنبش دانشجویی باشد تا بتوان در پیکار علیه نظام استبدادی و تاریک اندیش جمهوری اسلامی تاثیر گذار بود.

حزب ما به دانشجویان بمناسبت بیداری و پیکارجویی و شجاعت آنها درود میفرستد و خود را در شادی و پیروزی آنها شریک می داند و با تمام قوا از مبارزاتشان پشتیبانی میکند.

زنده باد پیکار متحد دانشجویان!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!